



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۳ خرداد ۱۳۹۰

۳ زوییه ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی

نباید فریب خورد

در حاشیه فراخوان جنبش سبز

"شورای هماهنگی راه سبز امید" با انتشار بیانیه ای به مناسبت ۲۲ خرداد ۸۸ مردم را فراخوانده است که در تهران با لبان بسته در پیاده روها به تظاهرات آرام و مسالمت آمیز دست بزنند و همزمان شب با شعار الله اکبر بر بامه خانه های خود ظاهر شوند. این تظاهرات به یاد سالروز ۲۲ خرداد و به قول راه سبز روز "حماسی" و "به یاد ماندنی"، روز تلاش برای کسب پست ریاست جمهوری از جانب این جناح، و روز تلاش برای اصلاح جمهوری اسلامی و به قول راه سبز "جایگزینی حکومت قانون به جای حکومت قانون گریز"، خواهد بود. راه سبز مطالبات این حرکت را آزادی رهبران جنبش سبز و زندانیان سیاسی، انتخابات آزاد و اقدام "موثر" برای مشکل گرانی و بیکاری اعلام کرده است.

سران سبز حق دارند عروج جنبش خود را "روزهای حماسی و به یاد ماندنی" تاریخ جنبش خود اعلام کنند. عروج جنبش سبز در ۲۲ خرداد و اعتراضات به نتیجه انتخابات و به قول راه سبز امید، اعتراض به "رای گم گشته" از زبان جناحهای مختلف این جنبش روز "حماسی" تاریخ ایران، روز پیش آمدن جنبش "دمکراسی خواهی"، روز تلاش برای

صفحه ۲

بمناسبت هفته منصور حکمت گفتگوی اسماعیل ویسی با مظفر محمدی



یعنی بدوا امر دخالتگری کمونیستی را تامین و در همه عرصه های جدال کمونیسم و بورژوازی، از مبارزه اقتصادی طبقه کارگر تا مبارزه سیاسی، علیه سیاستها و افکار و آرای بورژوازی در میان طبقه کارگر و مردم شرکت داریم. هیچ حزبی شب نمی خوابد و صبح بیدار شود و قدرت را بگیرد.

حزب و قدرت سیاسی برای ما جواب به این سوال است که، کمونیست ها و کارگران این جدال های اجتماعی را تا کجا ادامه می دهند و به کجا می رسانند. هدف چیست؟ حزب کمونیست ایران برای چه؟ حزب کمونیست کارگری ایران برای چه؟ چرا طبقه کارگر حزب لازم دارد؟ نهایتا این تلاش ها و

صفحه ۳

در مورد انقلاب ۵۷، بورژوازی ملی و مترقی، در رد پوپولیسم، علیه ناسیونالیسم، علیه مذهب و اسلامی سیاسی، بحث دوجناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی، لیبرالیسم چپ...، کمونیسم اجتماعی، تفاوت های ما، تشکیل حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری ایران، برنامه یک دنیای بهتر، بحران خلیج، دنیا پس از ۱۱ سپتامبر، حزب و جامعه و کوهی ادبیات مارکسیستی و کمونیسم دخالتگر حکمت را بخواند.

وقتی به حزب و قدرت سیاسی می رسیم،

اسماعیل ویسی: بحث و تز " حزب و قدرت سیاسی " یکی از مباحث اساسی و برجسته منصور حکمت می باشد. در این بحث منصور حکمت جدا از اینکه بر حزبی قدرتمند، مطرح و غیر قابل حذف و قابل انتخاب در ابعاد اجتماعی که ایفاگر نقشی اساسی و تعیین کننده در صحنه سیاست در ایران باشد، تاکید میکند، بلکه بر تصرف قدرت سیاسی و قدرت دولتی توسط حزب نیز تاکید میکند. مخالفین این جهت سیاسی - پراتیکی بر " تصرف قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر " تاکید دارند. " طبقه کارگر " در تم و جهت سیاسی - پراتیکی منصور حکمت اساسا چه جایگاهی دارد؟

مظفر محمدی: مباحث حکمت از حزب و قدرت سیاسی شروع نمی شود. اگر کسی قرار است حکمت را بشناسد باید برود و دیدگاه های این انسان مارکسیت بزرگ را

اجمن مارکس - حکمت

در بزرگداشت زندگی پر بار

منصور حکمت

صفحه ۲

برنامه های هفته حکمت

صفحه ۴

و ارباب اسالو، داستان "عدالت" طبقه ای است که برای استثمار طبقه کارگر، به هر جنایتی دست زده است. این "عدالت" آنها است، این قانون توحش بورژوازی است که تامین سود سرمایه به قیمت بی حقوقی میلیونها انسان کارکن، به قیمت زندان و شکنجه سرلوحه سیاست و اهداف آن است.

شکنجه و زندان و پرونده سازی و اعدام فعالین و رهبران طبقه کارگر، فعالین حق زن و کل صف آزادیخواهی و هر انسانی که به هر دلیل در این جامعه لب به اعتراض گشوده است، بخشی از زندگی طبقه کارگر و مردم ایران در ۳۲ سال حاکمیت جمهوری اسلامی است. طبقه کارگر ایران دوران حاکمیت جناحهای مختلف بورژوازی ایران را

صفحه ۲

حزب حکمتیست در این شادی شریک است و آزادی اسالو را به خانواده و بستگان او، به کارگران سندیکای شرکت واحد، و به طبقه کارگر ایران تبریک میگوید.

داستان زندگی اسالو داستان زندگی فعالین طبقه کارگر ایران است، که به جرم اعتراض به بی حقوقی و استثمار وحشیانه، به جرم خواست یک زندگی قابل تحمل، نه تنها فقر و محرومیت، بلکه تهدید، ربودن، زندان و شکنجه و ... را بارها و بارها تجربه کرده اند. داستان زندگی اسالو داستان زندگی فعالین طبقه ای است، که کوچکترین بهبودی در زندگی را با مبارزه هر روزه و اعتراض خود، با زور اعتصاب و اعتراض بدست آورده است. و داستان زندگی پر از تهدید



حزب حکمتیست

منصور اسالو آزاد

شد

طبق اطلاع سندیکای کارگران شرکت واحد امروز پنجشنبه ۱۲ خرداد منصور اسالو از زندان آزاد شد. بی شک آزادی اسالو مایه شادی و سرور خانواده و بستگان او، کارگران و همکاران او در شرکت واحد و کل طبقه کارگر ایران است. در عین حال اما آزادی منصور اسالو مایه شادی و خوشحالی میلیونها کارگر و انسان آزاده ای است که در این ۴ سال به کرات اخبار مختلف از شکنجه و پرونده سازی برای او را دریافت کرده و برای آزادی او تلاش کردند کرده اند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق

شرکت حزب کمونیست کارگری عراق در اولین کنفرانس مدیرانه

ای در ماریسی فرانسه!

ترجمه از: فرزاد نازاری

شرکت کننده گان در کنفرانس عبارت بودند از هیئتی از حزب کمونیست کارگری عراق مرکب از کامل احمد (مسئول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق) و نادیه محمود (عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق) و هیئتهایی از کشورهای مراکش، تونس، مصر، لبنان، فلسطین، یونان، ایتالیا، اسپانیا، ترکیه، قبرس، کورسیکا، کردستان عراق و عراق.

حضرار شرکت کننده در این کنفرانس انقلاب های منطقه، بحران اقتصادی جهانی، اشتغال و مقاومت و مهاجرت از کشورهای جنوب مدیترانه به کشورهای شمال مدیترانه را مورد بحث و بررسی قرار دادند. نمایندگان مصر و تونس نظراتشان را در باره چگونگی تلاش حکومتهای این دو کشور برای سرکوب انقلاب و سازمان دادن ضد انقلاب، بیان کردند. آنها توجه کنفرانس را به تعداد بیشتر گشته شده گان در تونس بعد از سرنگونی و فرار بن علی نسبت به پیش از سرنگونی او، جلب کردند. آنها به تلاش حکومت و ارتش در این دو کشور برای ختنی کردن انقلاب و تصویب قطعنامه های سرکوب گرانه توسط آنها از جمله قطعنامه ممنوعیت

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نیاید فریب...

کنند، تلاش میکنند اینکه با بدست گرفتن پرچم سبز اصلاح رژیم و قانونیت نظام از جانب احمدی نژاد جنبش سبز خواسته و ناخواسته با مشکلات عدیده ای طرف شده است را حاشیه ای کنند.

اما خارج از تلاش امروز سران سبز و آینده این جنبش، گذشت دو سال از هیا وهوی سبز، همه آن تبلیغاتی که در فضای سیاسی ایران پخش کردند، امروز بر کسی پوشیده نیست که این جنبش چیزی جز تبدیل طبقه کارگر و توده های ستمدیده آن جامعه به سپاهی لشکر جنبشی ارتجاعی نبود. امروز و با گذشت دو سال، عقیدگی که جنبش سبز به جنبش آزادیخواهی در آن جامعه تحمیل کرد را بخوبی میتوان دید. جنبش سبز در کل آن دوران نتوانست طبقه کارگر و فعالین و رهبران این طبقه را فریب دهد، به همین دلیل در بازبینیهای خود، به این مشکل جنبش سبز پرداختند و از آن زمان اسم کارگر و منفعت کارگر نیز به عنوان ابزاری برای تبدیل طبقه کارگر به تنفکچی بورژوازی لیبرال ایران بدست گرفته شد. تلاش کل چپ بورژوازی و طیف روشنفکران نان به نرخ روز خور این طبقه برای آراستن پروژه ارتجاعی سبز جهت فریب و جلب طبقه کارگر، در بسته بندیهای قابل عرضه و معقول نیز، در میان طبقه کارگر خریداری نیافت. اکنون نیز اشاره به معضل بیکاری و گرانی و "راه حل" پیدا کردن برای آن از جانب این جنبش، از همان قبیل ادعاهای کارگر پناهی جناح حاکم در رفع مشکلات فوق و وعده های هر روزه برای تحمیل طبقه کارگر است. اگر در دل هیاهوی دوره گذشته کل جنبش سبز نتوانست توجه طبقه کارگر ایران را بخود جلب کند، بی شک امروز و بعد از کنار رفتن پرده ابهام آن دوره تلاشهای فوق و آرزوی جلب طبقه کارگر به زیر بیرق سبز جز سرابی نخواهد بود.

منصور اسالو ...

کرده که بورژوازی ایران بتواند علیرغم تنفر عمیق طبقه کارگر، به حاکمیت خود ادامه دهد. همین مشکل امکان داده است که هر روز جناحی و جریانی از بورژوازی طبقه ما را به زیر پرچمهای ارتجاعی خود به عنوان سرباز جنگی فراخوان دهد. به همین دلیل امروز هر درجه پیشروی طبقه کارگر و تامین کوچکترین بهبودی در زندگی این طبقه در گرو اتحاد کارگران حول یک افق روشن سیاسی، حول پرچمی که منفعت کل طبقه کارگر را نمایندگی میکند، است.

حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست

۱۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۲ ژوئن ۲۰۱۱



Marx- Hekmat Society

در بزرگداشت زندگی پربار

منصور حکمت

بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر و بنیانگذار انجمن مارکس لندن

شنبه ۴ ژوئن ۳۰ تا ۳۰، ۴ بعد از ظهر

سخنرانان

ریویار احمد: منصور حکمت و تحولات کردستان عراق

آذر مدرسی: مبارزه طبقاتی، جنبش ها و احزاب

دیبا علیخانی: منصور حکمت و بیانیه حقوق زن

کورس مدرسی: حکمت و مفهوم انقلاب

ورود برای عموم آزاد است. ورودی رایگان. لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید. برای اطلاعات بیشتر با تسرین چاهی مدیر انجمن مارکس - حکمت لندن - 07708125993، marx.hkmat@gmail.com، تماس بگیرید.

www.marxhekmatociety.com

انداخته است، تا ابزار تحمیل این طبقه را مهیا کنند، اگر کل بورژوازی ایران از اپوزیسیون تا پوزیسیون به فکر راه حلی است تا خطر حضور این طبقه را در سیاست ایران خنثی کند، طبقه کارگر و نسل جوان و زن آزادیخواه نیز از این دوران آموخته است. این صف نیز دوستان دروغین خود را شناخته است، و محال است بار دیگر فریب جنبش سبز یا سیاه جمهوری اسلامی را بخورد.

دوره گذشته اگر برای طبقه کارگر آموزه ای داشته است، این است که در جامعه ایران بورژوازی آزادیخواه و دمکرات نداریم، بورژوازی "کارگر دوست"، فریب و حقه ای بیش نیست.

اما برای طبقه کارگر و کمونیست جامعه ایران، آن روزها یادآور دوره تلخ یک تحمیل عمومی، راه افتادن موجی از فریب و ربا، فضائی مملو از تملق و دروغ، که روزانه توسط مدیای نوکر و ضد کارگر، ضد حق زن و ضد آزادیخواهی انسان، به خورد جامعه داده شد، است. دوران سپاهی که یکی از جناحهای بورژوازی ایران، به نام مردم، به نام گشایش سیاسی و فرهنگی، بر دوش صفی از احزاب و جریانات بورژوازی با سرمایه گذاری بر نفرت عمومی مردم از جمهوری اسلامی بخشی از مردم انقلابی را فریب دادند و علیه منافع و اهداف و امیالشان به خیابان آوردند.

جنبش سبز و همه نیروهای در بر گیرنده آن، مثل هر جنبش بورژوازی دیگری تلاش کرد، به عنوان "حامی جامعه" و "منافع عموم مردم"، اهداف و منافع بخشی از بورژوازی ایران را به نیروی مردم به ثمر برساند و موقعیت بهتری برای خود در حاکمیت بدست آورد. اما امروز و بعد از گذشت دو سال از آن تاریخ، میتوان تأثیرات مخرب این جنبش و میراث ارتجاعی و فضای مسموم آن را در ضدیت با آزادیخواهی کارگری، در ضدیت با ابتدائی ترین مطالبات و حقوق انسان در آن جامعه و در ضدیت با حق زن دید. امروز درست در شرایطی که جنبش سبز از تکلیف افتاده است، فضای انقلابی در منطقه و امیدواری که در مردم ایران تحت تأثیر آن ایجاد شده است، جنبش سبز را به امید تحمیل دوباره و فریب مردم ایران به جنب و جوش انداخته است. همزمان با این، اوج گیری جدال در میان اصولگرایان و اختلافات احمدی نژاد و خامنه ای، طمع بخشی از سبز را به بازسازی خود، به امید استفاده از این وضعیت زنده کرده است. تلاش میکنند بحرانی که سبز با آن روبرو است را حاشیه ای

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

به مناسبت هفته...

جدال ها به کجا می انجامد...

و منصور حکمت جواب می دهد، حزب کمونیستی کارگران برای تصرف قدرت سیاسی، برای خلع ید از بورژوازی با انقلاب کارگری و ایجاد حکومت کارگری، لغو کار مزدی و برقراری جامعه برابر و آزاد...

همه احزاب سیاسی قدرت را می خواهند. از همان بدو تشکیل یک حزب بورژوازی جهتش به طرف قدرت سیاسی است. شرکت در قدرت سیاسی است. و برای این کار هم، راه و روش و سیاست و تاکتیکهای خودشان را دارند. کسی به یک حزب بورژوازی نمی گوید بورژوازی حزب لازم ندارد، خودش قدرت را می گیرد. و یا به حزب بورژوازی ولو تازه تشکیل شده و کوچک، نمی گوید تو اول برو همه بورژواها را با خودت بیآور بعد ادعای قدرت کن. او جواب می دهد با همین اندازه نیرو هم که دارم می خواهم در قدرت شریک شوم و نهایتا قدرت سیاسی را بطور کامل و با سیاستهای خودم یک کاسه و قیضه کنم... این برنامه اقتصادی من، این برنامه سیاسی من، این هم تاکتیکها و روش مبارزه من. در انتخابات شرکت می کنم و رای می آورم و می روم به قدرت. فعلا هر اندازه باشد، تا بعدا هر جا توانستم حزب قدرت بشوم و رقبای دیگر را کنار بزنم...

این مساله صرفنظر از تفاوت راه و روش ها، برای طبقه کارگر هم صدق می کند. طبقه کارگر بدو حزبی را می خواهد. کمونیست های طبقه کارگر چه در میان کارگران و چه در بیرون از آن اول باید حزب کمونیستی کارگری را داشته باشند. حزبی که از همان بدو تولد چشم به قدرت دوخته و در هر فرصتی و با هر اندازه نیروی ممکن اگر بتواند قدرت را بگیرد. حال امروز ممکن است بخشی از قدرت باشد اما نهایتا کل قدرت را برای اهدافی که در بالا گفتم، خلع ید از بورژوازی، می خواهد...

چپی که معیارش بازی اقلیت و اکثریت و الگوی پارلمان های بورژوازی است، حق دارد بگوید حزب کمونیستی کارگری نمی تواند و نباید با اقلیتی قدرت را بگیرد. از نظر این چپ طبقه کارگر همین راه را باید طی کند و به الگوی بورژوازی کسب رای اکثریت برای گرفتن قدرت تاسی کند. از نظر این چپ انقلاب کارگری ممکن نیست. طبقه کارگر هم باید در زمین بورژوازی بازی کند. به قوانینش پایبند باشد تا به قدرت و شرکت در پارلمان و سیستم دموکراسی بورژوازی دست یابد. اما برای طبقه کارگر بازی اکثریت و

اقلیت و دموکراسی بورژوازی یک ریا کاری تمام عیار و سرپوشی بر سیستم دیکتاتوری طبقه بورژوا برای حفظ نظام سرمایه داری و جلوگیری از انقلاب کارگران علیه این نظام است. گفتم، احزاب بورژوازی برای رسیدن به قدرت، سنت ها و مکانیسم و راه و روش خود را دارند. طبقه کارگر و حزب سیاسی کمونیستی اش هم برای کسب قدرت سنت، مکانیسم و راه و روش های خود را دارد.

بحث حزب و قدرت سیاسی حکمت، به همه آن تئوری و سیاست ها و برنامه و راه حل و نقشه عمل و تاکتیک متکی است. بحث توانستن یا نتوانستن امروز نیست. بحث افقی است که ناظر بر مبارزه روزمره طبقه کارگر است. افق قدرت سیاسی. و بحث بر اسر اتکا به و استفاده از همه آن سنت و مکانیسم و راه و روش های مختص به طبقه کارگر است.

چپ های سنتی، پوپولیست ها، کمونیسم بورژوازی و غیرکارگری این سنت و مکانیسم و سیاست و راه و روش را نمی بینند، آن را نمی شناسند و در نتیجه می آیند و می گویند، حزب قدرت را نمی گیرد. کارگران خود قدرت را می گیرند. از نظر این ها حزب یک طرف است و کارگران طرف دیگر. حزب و کارگر دو مقوله و دو پدیده جدا در ذهن چپی است که کمونیست نیست. از نظر حکمت حزب و کارگر یکی است. هیچکدام بدون این یکی نمی شود. حزب بدون کارگر هر اندازه دوز کمونیستی اش هم بالا باشد، کارگری نیست. و کارگر هم بدون حزب سیاسی خود، مبارزه اش در سطح صنفی و حداکثر فرم باقی می ماند تا چه رسد به کسب قدرت.

این از یک طرف. از طرف دیگر، بخشی از این چپ، علیرغم ابراز علاقه به سوسیالیسم و کمونیسم و کارگر، اما اساسا به قدرت گرفتن طبقه کارگر در زمان معینی و طبق برنامه و سیاست و نقشه و عمل معینی، اعتقاد ندارد. یا اگر حتی نگاهی به آن هم داشته باشد، اینقدر دور و دور از دسترس و پیچیده و غیر عملی است که حالا حالاها نباید حرفش را زد. بهمین دلیل هم، از نظر این ها کارگر حزب نمی خواهد و از طریق سندیکاها و اعتصابات و نهایتا قیام به جایی می رسد و نیازی به حزب نیست.

یا می گویند کمونیست ها در میان کارگران خرد خرد مشغول تبلیغ و ترویج وسازماندهی می شوند و طی پروسه ای (نامعلوم) کارگران خود حزب کمونیستی شان را می سازند. در این جا فعلا بحثی از قدرت سیاسی نیست. و قدرت سیاسی هم اگر در کار باشد موکول به زمانی است که این

کارهای خرد خرد به بار بنشینند. به این ترتیب عملا مساله قدرت سیاسی طبقه کارگر منتفی است. از نظر این ها کارگر مبارزه اقتصادی می کند، به سیاست کاری ندارد. دنیا را آب ببرد به کارگر مربوط نیست و او در کارخانه اش مشغول کار و مبارزه و اعتصاب و مبارزه اقتصادی است. بخش دیگر این جریانات و احزابی که کارگری هم هستند اما حزب و مبارزه کارگر را برای شریک شدن در قدرت و بهمه راه بورژوازی مد نظر دارند. این جریان ولو کارگری، کارگر را با خود می خواهد تا به حزبیش رای بدهند وارد پارلمان های بورژوازی بشود، در ائتلاف و یا در اپوزیسیون احزاب بورژوازی دیگر در قدرت. به نام کارگر و حتی کمونیسم، فرم و اصلاحاتی برای طبقه کارگر می خواهد و می خواهد در چارچوب نظام سرمایه داری بخشی از ارزش اضافه ای که کارگر تولید می کند به خودش برگرداند و شود و سرمایه داری سرچایش باقی بماند.

ریشه تاریخی و اجتماعی این تفکرهای بورژوازی و خرده بورژوازی و پوپولیستی و غیرکارگری و غیر کمونیستی به بیش از نیم قرن اخیر برمی گردد. به زمانی که انقلاب اکتبر شکست می خورد و سرمایه داری دولتی به نام کمونیسم به خورد طبقه کارگر داده می شود. زمانی که طبقه کارگر و کمونیست ها دیگر کارشان می شود همزیستی طبقاتی با بورژوازی و یا در حاشیه جامعه وول خوردن. و طبقه کارگر برای چندین دهه از حزب سیاسی کمونیستی خود و مبارزه برای قدرت سیاسی محروم می شود.

در ایران حزب توده یک حزب کارگری و از این دست بود. احزاب چپ و سوسیال دمکرات کشورهای اروپایی هم همین نقش را داشته و دارند. بنا بر این، وقتی حرف از حزب و قدرت سیاسی است، منظور حزب کمونیستی کارگری است. حزبی که هم بنا به تعریف مارکس کمونیست است و هم حزب کارگران است و کارگر را با خودش دارد. حزبی که علاوه بر مبارزه اقتصادی طبقه کارگر، سازماندهی اعتصابات بزرگ و کوچک کارگری برای مطالبات رفاهی فوری و بهبود سطح معیشت خانواده های کارگری، به همه عرصه های مبارزه اجتماعی کار دارد. و همه را عرصه مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی می داند.

کسانی که معیار را برای حزب و قدرت سیاسی احزاب چپ موجود می گذارند، صرفنظر از هر غرض و مرض و رقابتهای فرقه ای درون چپ،

معنی اش این است که حزب قدرت سیاسی حکمت را نمی شناسند.

با آن خصوصیات و آنچه که حکمت، حزب و قدرت سیاسی می نامد، هیچکدام از احزاب چپ و به نام کمونیست کنونی فاقد آن خصوصیت حزب کمونیستی کارگری و حزب قدرت سیاسی طبقه کارگر نیستند.

بخشا اساسا کمونیست نیستند و کمونیسم شان بورژوازی و غیرکارگری است و بخشا علیرغم هر اندازه تعلق خاطر به کارگر و یا سیاست درست در برخورد به مسایل جامعه، کارگر را با خود ندارند. بدون کارگر و رهبران کارگران در عمل و در محل، هر جریان کمونیستی ولو بسیار نزدیک به منافع طبقه کارگر، حزب کارگری نیست.

حزب و قدرت سیاسی از نظر حکمت حزبی است که همانطور خودش می گوید، طیفی از فعالین و رهبران کارگری و آژیتاتورهای کمونیست کارگران را با خود دارد. و می گوید بدون این، نه گرفتن قدرت ممکن است و نه حفظ آن. چرا که این طیف است که می تواند در کشمکش قدرت، توده وسیع کارگران را پشت حزیشان بیاورد و بسیج کند.

اما جوهر بحث حکمت پاسخ به این مساله بدهی نیست که حزب کمونیستی باید مال کارگران باشد و کارگر را با خود داشته باشد و ... جوهر بحث حزب و قدرت سیاسی این است که حزب کمونیستی کارگری، در همه جدال های سیاسی و اجتماعی و طبقاتی جامعه حضور دارد. هیچ امری در جامعه از آزادیهای فردی و اجتماعی، تبعیض و نابرابری، برابری زن و مرد، حقوق کودک تا دفاع از محیط زیست و غیره، نیست که به کارگر مربوط نباشد و پیرویش در گرو حضور طبقه کارگر و حزیش در همه این جدال ها نباشد. حزب کمونیستی کارگری در همان حال و در همه این جدال های سیاسی، فکری و جنبش های اجتماعی، کل منافع طبقه کارگر را نمایندگی می کند. چنین حزبی در هر تند پیچ سیاسی و در هر توازن قوای معینی که دست بدهد، قدرت سیاسی را مد نظر دارد. چنین حزبی با هر اندازه نیرو بتواند، دست به قدرت می برد.

مبحث و راه حل "حزب و قدرت سیاسی" پرچم یک انقلابیگری کمونیستی و کارگری است که در بیش از نیم قرن اخیر از دست طبقه کارگر گرفته شده است. طبقه کارگر از دست بردن قدرت که سهل است، حتی از حرف زدن در مورد آن هم منع شده است. قدرت سیاسی بورژوازی و دموکراسی بورژوازی و پارلمان، نظام مطلوب جوامع بشری امروز و ازلی و ابدی قلمداد شده است.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



برنامه های هفته حکمت

شنبه ۴ ژوئن ساعت ۳ بعدازظهر

سلیمان قاسمیانی: منصور حکمت و حقوق کودکان

سلام ذبیحی: منصور حکمت حزب و جامعه حزب و قدرت سیاسی

سخنرانی از طرف حزب کمونیست کارگری عراق: منصور حکمت و انقلاب اکتبر

شعر خوانی علی آیینه

نقش منصور حکمت در کردستان از طرف دوستداران حکمت از کردستان ایران

مکان: Stigbergstorget 18

تلفن تماس: ۰۷۶۷۱۰۹۰۰۵

پخش تراکت و جزوات سوندی از بحثهای متنوع منصور حکمت در سطح شهر گوتنبرگ روزهای دوشنبه ۶ یونی و ۴ شنبه ۸ یونی

برنامه روز شنبه ۱۱ یونی پخش سلاید از عکسها فیلم ها و سخنرانهای منصور حکمت و همچنین پخش یکی از بحثهای منصور حکمت برای جمع حاضر و برنامه های متنوع دیگر

نروژ، اسلو:

شنبه ۴ ژوئن ساعت ۳ بعدازظهر

ناصر مرادی: نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی ایران

تلفن تماس: ۰۰۴۷۹۳۲۱۰۹۱۴

مکان: Olafjagangen 5

استکهلم:

شنبه ۴ ژوئن ساعت ۱ بعدازظهر

فاتح شیخ: ایده های منصور حکمت در باره ناسیونالیسم، فدرالیسم و مسئله ملی

شمال علی: کارگر در جهان بینی کمونیستی منصور حکمت

مظفر محمدی: حکمت، انقلابی گری و تعجیل

رسول بناوند: نگاه حکمت به سازمان، حزب و سنت ها حزبی

مکان: Nedrosgatan 12

ایستگاه Husby

گوتنبرگ:

به مناسبت هفته ...

مبارزه روزمره برای بهبود سطح معیشت خود و در هر مبارزه اقتصادی، افق کسب قدرت و خلعی از بورژوازی و قدرت و حکومت کارگری را گم نمی کند. در همین رابطه لازم به تاکید است که روشنفکران کمونیست طبقه کارگر، نقش مهمی در خودآگاهی طبقه کارگر

حزب و قدرت سیاسی حکمت، آغاز و افق کمونیستی و مارکسیستی اش پایان این دوره طولانی و دردناک داشته و دارند. در نتیجه نقش تعیین است. دورانی که جریانات و گرایشات بورژوازی تحت نام چپ و کمونیسم، بر مبارزه طبقاتی و تلاش های طبقه کارگر هژمونی داشته است.

ناباوری به کسب قدرت سیاسی توسط حزب کمونیستی کارگران، با هر اندازه نیروی ممکن، ادامه همان سیاست چند دهه کمونیسم بورژوازی و غیر کارگری و در خدمت آن است. طبقه کارگر اولاً باید حزبش را داشته باشد. حزب کمونیستی مارکسیست و ماکزیمالیست متشکل از فعالین و رهبران کارگری کمونیست و سوسیالیست درون خود. دوما در هر

کمونیسم و کارگر هم در حاشیه جوامع بورژوازی و نظام سیاسی و اقتصادی بورژوازی به اعتصابات مکرر و پایان ناپذیر و مبارزه اقتصادی برای رفهم و بهبودی در وضعیت معیشتی خود مشغول گشته است.

حزب و قدرت سیاسی حکمت، آغاز و افق کمونیستی و مارکسیستی اش پایان این دوره طولانی و دردناک داشته و دارند. در نتیجه نقش تعیین است. دورانی که جریانات و گرایشات بورژوازی تحت نام چپ و کمونیسم، بر مبارزه طبقاتی و تلاش های طبقه کارگر هژمونی داشته است. ناباوری به کسب قدرت سیاسی توسط حزب کمونیستی کارگران، با هر اندازه نیروی ممکن، ادامه همان سیاست چند دهه کمونیسم بورژوازی و غیر کارگری و در خدمت آن است. طبقه کارگر اولاً باید حزبش را داشته باشد. حزب کمونیستی مارکسیست و ماکزیمالیست متشکل از فعالین و رهبران کارگری کمونیست و سوسیالیست درون خود. دوما در هر

کنفرانس مدیترانه ای در...

بین احزاب چپ در موقعیت انقلابی کنونی تاکید کردند. در این جلسه

همچنین بر اهمیت همکاری و حمایت از یکدیگر، تبادل تجارب و تخصصها و مطلع کردن همدیگر در باره استراتژی و نقشه های عملی جهت همکاری بهتر و سازنده با هم تاکید نمودند. در پایان موافقت گردید که میتینگی دیگر در آینده در یکی از کشورهای شرکت کننده از حوزه مدیترانه جنوبی، تشکیل گردد. این

جلسه توسط اعضا شرکت کننده در این کنفرانس در یک اعلامیه به اطلاع خواهد رسید.

در مدت کنفرانس نشریات سازمانها و احزاب مختلف در میان حاضرین پخش گردید و در حاشیه کنفرانس جلسات بحث و گفتگوی متعددی اجرا شد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق

۱۱ مه ۲۰۱۱

تظاهرات و محدود کردن آزادی تشکیل احزاب سیاسی اشاره نمودند. شمار چندی از نمایندگان گزارشات خود را در باره اتفاقات و رویدادها در کشورهای مربوطه و فعالیتهای سازمان و احزابشان را در حین مبارزه برای به نتیجه رساندن اعتراضات، به کنفرانس ارائه دادند.

حزب جدید ضد کاپیتالیست (NPA) پیش نویس بیانیه ای به کنفرانس ارائه داد که برای تصویب نهایی به بحث گذاشته شود. در اولین شب کنفرانس جلسات سخنرانی توسط نماینده گان مصر، تونس و فلسطین با حضور حزب ضد کاپیتالیست جدید، ارائه گردید. تمام اعضا کنفرانس بر اهمیت مقابله با رژیم های سرمایه داری در تمام دنیا با استفاده از متد هایی از جمله ارتقاء مبارزات توده ها، آزادخواهان، طبقه کارگر و نیروهای مترقی و سوسیالیست تاکید کردند.

بعد از پایان موفقیت آمیز کنفرانس، هیئتهای نمایندگی از مصر و تونس و لبنان و عراق که رفیق نادیه محمود از حزب کمونیست کارگری عراق شرکت داشت، در یک کنفرانس مطبوعاتی که توسط کانل ۳ تلویزیون فرانسه پوشش داده شد، شرکت کردند. پانزده سازمان و حزب چپ عرب زبان که در این کنفرانس حضور به هم رسانده بودند از این فرصت استفاده کردند و میتینگی را در بین خود تشکیل دادند. آنها همگی بر اهمیت جلسات در

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی کمونیست

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر



زنده باد سوسیالیسم